

پرسش ۶۷۶: چگونگی توفیق بین «رضایت به قضا» و «دستور به دعا کردن»

السؤال / ۶۷۶: بسم الله الرحمن الرحيم، سيدي الوصي اليماني العظيم  
السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

بسم الله الرحمن الرحيم. آقاي من! يمانى وصى بزرگوار.  
سلام عليكم ورحمة الله و بركاته

هناك إشكالية في كيفية التوفيق والجمع بين الأوامر الإلهية بالرضا بالقضاء  
وانه من أعلى درجات العبودية له سبحانه وبين الأوامر الإلهية بالدعاء والتضرع  
إليه سبحانه وسؤاله حتى في أبسط الأمور واعتبار الدعاء من صميم العبودية له  
سبحانه وتعالى؟

اشكالی در خصوص چگونگی توفیق و جمع بین دستورات الهی در خشنودی به  
قضا و اینکه از بالاترین درجات پرستش خداوند سبحان است، و بین دستورات الهی به  
دعا و تضرع به درگاه خداوند سبحان و درخواست از او، حتی در ساده‌ترین مسائل و  
اینکه دعا هسته و مغز پرستش خداوند سبحان و متعال است، وجود دارد.

وبعبارة أخرى ألا يتعارض الأمر بالرضا بالقضاء والأمر بالدعاء؟ وكيف يمكن  
أن أتصور الأمرين معاً؟

المرسل: الشيخ عارف الحلبي - العراق

به عبارت دیگر، آیا در دستور به راضی و خشنود بودن به قضا، و در دستور به دعا  
تعارضی وجود ندارد؟ چگونه می‌توان این دو را با یکدیگر تصور نمود؟

فرستنده: شیخ عارف حلّی - عراق

**الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم**

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين  
وسلم تسليماً كثيراً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و  
سلم تسليماً كثيراً.

**دعاؤنا المتعلق بالقضاء الآتي وأن يكون خيراً لنا لا يتنافى مع رضانا  
بالقضاء الحالي والواقع الذي نحن فيه، فمثلاً أنا راض بالمرض الذي  
أصابني الآن**

دعاى ما كه به قضا در آینده و اینکه برای ما خوب باشد، تعلق دارد با خشنود بودن  
ما با قضای فعلی و وضعیتی که در آن به سر می بریم، منافاتی ندارد. به عنوان مثال من  
به بیماری که اکنون گرفتارش شده ام، راضی هستم؛

**لأنه واقع ضمن قضاء الله وفي نفس الوقت أدع أن أشفى بعد الآن،  
فعلمي بأن مرضي الآن واقع ضمن قضاء الله ورضاي به لا يعني إنني  
أعلم أو أقول إن الله قضى أن أبقى مريضاً يوم آخر أو سنة أخرى أو بقية  
العمر لكي أقول رضيت بقضاء الله الذي لا يبديل وأترك الدعاء.**

چراکه در ضمن قضای خداوند رخ داده است و درعین حال دعا می کنم که پس از این  
زمان، شفا پیدا کنم؛ بنابراین دانش من به اینکه در حال حاضر بیماری ام در ضمن  
قضای خداوند واقع شده است و راضی بودنم به آن، به این معنی نیست که من آگاهترم  
یا می گویم که خداوند اراده فرموده تا روز دیگر یا سال دیگر یا بقیه ی عمر بیمار بمانم، تا

به این ترتیب بگویم به قضای خداوندی که تغییر نمی‌کند، راضی و خشنود هستیم و دعا را رها نمایم.

وحتى لو علمت من الله بطريق من طرق معرفة الغيب - كروياً منذرة - أن هذا الحدث سيحصل غداً وهو حدث فيه أذى وضرر فيمكن أن تدع الله أو أن تتصدق ليدفع الله هذا الضرر والأذى؛ لأنه ليس قضاء الله الذي لا يبدل والمكتوب في أم الكتاب، بل هو إخبار بوجه من الوجوه الموجودة في لوح المحو والاثبات لأمر ما وقد لا يحدث ويحدث وجه آخر.

حتی اگر از سوی خداوند و از راهی از راه‌های غیبی مانند رؤیای هشداردهنده، بدانی که چنین اتفاقی فردا خواهد افتاد و اتفاقی است که آزار و زیانی در بر دارد، می‌توانی به درگاه خداوند دعا کنی یا صدقه بدهی تا خداوند این زیان و آزار را از شما برطرف نماید؛ چراکه این مطلب، قضای خداوندی که تغییر نکند و نوشته شده در ام‌الکتاب باشد، نیست. بلکه اخبار (اطلاع‌رسانی) از وجهی از وجوهات موجود در لوح محو و اثبات در مورد چیزی است که می‌تواند اتفاق نیفتد و یا به صورت دیگر، واقع شود.

فنحن ندعوا لأننا لا نعلم النتيجة النهائية القطعية التي ستحصل والتي هي قضاء الله المستقبلي فينا ونحن ندعوا أن لا يبقى الأذى الذي حصل لنا نتيجة اخطائنا (وَمَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَن كَثِيرٍ)، ودعاؤنا هذا لا يتنافى مع رضانا بقضاء الله الذي أمضي فينا الآن وهو واقع نعيشه ونشكر الله عليه.

ما دعا می‌کنیم؛ چراکه از نتیجه‌ی نهایی و قطعی که حاصل خواهد شد خبر نداریم؛ همان چیزی که قضای آینده‌ی خداوند در مورد ما هست. ما دعا می‌کنیم تا آزاری که در نتیجه‌ی اشتباه ما به وجود آمده است، باقی نماند: (و هرگونه مصیبتی که به شما رسد، به خاطر دست‌آوردهایی است که خود به دست آورده‌اید و خدا از بسیاری درمی‌گذرد). این دعا کردن ما با رضایت و خشنود بودن ما به قضای خداوندی که هم‌اکنون در مورد ما جریان دارد و واقعیتی است که در آن زندگی می‌کنیم، منافاتی ندارد و شکر خداوند را در مورد آن به‌جا می‌آوریم.

احمدالحسن - 1433 هـ

